

Shared responsibility for the United States' aid or assistance to the Zionist regime in the 12-day aggression against Iran

Abstract

The 12-day aggression of the Zionist regime against Iran in June 2025 represents a critical stress test for contemporary doctrines of shared responsibility in international law. This article examines the international responsibility of the United States for its multifaceted assistance—financial, military, intelligence, and political—to Israel during this conflict. Adopting a theoretical–interpretive approach, it integrates doctrinal analysis of the Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (2001) with jurisprudence of the International Court of Justice and the European Court of Human Rights, particularly in areas of due diligence, positive obligations, and extraterritorial jurisdiction.

The study introduces three conceptual innovations: (1) a Layered Responsibility Model, distinguishing between direct commission, facilitative complicity, and coalition omission; (2) a Dynamic Breach Theory, extending the notion of continuing violations to post-ceasefire sanctions and ongoing assistance; and (3) a Facilitation Spectrum, an empirical tool for quantifying levels of participation in collective wrongdoing. These frameworks operationalize Article 16 of the ILC Articles by lowering the traditional threshold of knowledge to encompass “constructive awareness” derived from human-rights jurisprudence, thereby transforming formal attribution into a functional duty of due diligence.

Based on declassified U.S. documents, UN Security Council records, and post-war human-rights reports, the paper argues that U.S. conduct—ranging from aerial refueling and real-time intelligence sharing to direct B-2 strikes and Security Council vetoes—constitutes material and mental elements of complicity in aggression under Article 2(4) of the UN Charter. Furthermore, U.S. post-ceasefire sanctions are framed as continuing breaches, reinforcing systemic complicity in violation of peremptory norms (*jus cogens*) and the duty of non-assistance under Article 41 of the ILC Articles.

Iran's claim of US responsibility is analyzed as an emerging procedural platform to test this reconceptualization of shared responsibility. The study concludes that while procedural and political impediments—such as Security Council veto power and bilateral defense arrangements like the 2016 U.S.–Israel Memorandum of Understanding—still obstruct accountability, the integration of human-rights–based due-diligence standards into the law of state responsibility provides a viable pathway for advancing collective justice and protecting victims of hybrid warfare.

Ultimately, this article contributes to the evolving discourse on networked accountability by linking jurisprudential developments in human rights to the structural reform of international responsibility in the age of transnational and cyber-enhanced conflicts.

Keywords: Aid or Assistance, Shared Responsibility, Attribution, Breach of Obligation, Due Diligence, Extraterritorial Jurisdiction, Systematic Complicity.

مسئولیت مشترک ناشی از کمک یا مساعدت ایالات متحده به رژیم صهیونیستی در تجاوز ۱۲ روزه به ایران

چکیده

تجاوز ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی به ایران در ژوئن ۲۰۲۵، آزمونی تعیین کننده برای دکترین های معاصر «مسئولیت مشترک» در حقوق بین الملل به شمار می رود. این مقاله، با تمرکز بر ابعاد گوناگون مساعدت مالی، نظامی، اطلاعاتی و سیاسی ایالات متحده به اسرائیل در طول این مداخله، به بررسی مبانی مسئولیت بین المللی آن دولت می پردازد. پژوهش حاضر با رویکردی تفسیری - نظری، تحلیل نظری مجموعه «مواد مسئولیت دولت ها در قبال اعمال متخلفانه بین المللی» (۲۰۰۱) را با رویه دیوان بین المللی دادگستری و دیوان اروپایی حقوق بشر - به ویژه در زمینه اصول اهتمام لازم، تعهدات مثبت و صلاحیت فراسرزمینی - درهم می آمیزد.

مطالعه حاضر سه نوآوری مفهومی را معرفی می کند: نخست، مدل مسئولیت لایه ای که سطوح مختلف ارتکاب مستقیم، همدستی تسهیلی و قصور اثلاقی را تفکیک می کند؛ دوم، نظریه نقض پویا که مفهوم نقض مستمر را به تحریم ها و کمک های پس از آتش بس گسترش می دهد؛ و سوم، طیف تسهیل به عنوان ابزاری تجربی برای سنجش کمی درجات مشارکت دولت ها در تخلفات جمعی. این چارچوب ها با بازخوانی ماده ۱۶ مجموعه مواد ۲۰۰۱، آستانه سنتی علم و آگاهی را به «آگاهی سازنده» کاهش می دهند و بدین سان، انتساب رسمی را به تعهد کارکردی اهتمام لازم تبدیل می نمایند.

بر پایه اسناد از طبقه بندی خارج شده ایالات متحده، سوابق شورای امنیت و گزارش های نهادهای حقوق بشری، مقاله نتیجه می گیرد که اقدامات ایالات متحده - از سوخت رسانی هوایی و تبادل اطلاعات لحظه ای تا حملات مستقیم بمب افکن های بی-۲ و توی قطعنامه های شورای امنیت - عناصر مادی و معنوی همدستی در تجاوز را بر اساس ماده ۲(۴) منشور ملل متحد تشکیل می دهند. همچنین تحریم های پس از آتش بس، استمرار نقض تعهدات عام الشمول و نقض قاعده آمره عدم مساعدت (ماده ۴۱ مجموعه مواد) را نشان می دهند.

ادعای ایران در خصوص مسئولیت ایالات متحده به عنوان بستری نوظهور برای بازتعریف مسئولیت مشترک تحلیل شده است. یافته ها نشان می دهد که هرچند موانع سیاسی و ساختاری - از جمله حق وتوی شورای امنیت و پیمان های دوجانبه ای مانند تفاهم نامه ۲۰۱۶ ایالات متحده و اسرائیل - همچنان مانع تحقق پاسخگویی مؤثرند، ادغام استانداردهای اهتمام لازم مبتنی بر حقوق بشر در نظام مسئولیت بین المللی می تواند مسیر کارآمدی برای تحقق عدالت جمعی و حمایت از قربانیان جنگ های هیبریدی فراهم آورد.

در نهایت، این پژوهش با پیوند دادن تحولات رویه ای حقوق بشر به اصلاح ساختاری حقوق مسئولیت بین المللی، سهمی نو در گسترش گفتمان «پاسخگویی شبکه ای» ارائه می دهد و چارچوبی عملی برای مواجهه با چالش های نوظهور در منازعات فراملی و سایبری ترسیم می کند.

کلمات کلیدی: کمک یا مساعدت، مسئولیت مشترک، انتساب، نقض تعهد، اهتمام لازم، صلاحیت فراسرزمینی، همدستی نظام مند.

۱. مقدمه

در چشم‌انداز بی‌ثبات روابط بین‌الملل معاصر، تجاوز ۱۲ روزه علیه ایران در ژوئن ۲۰۲۵، به عنوان نمادی آشکار از چگونگی فوران گسل‌های ژئوپلیتیکی دیرینه به درگیری‌های چندوجهی است که مرزهای بین حاکمیت دولت، تعهدات ائتلافی و الزامات نظم جهانی را متزلزل می‌سازد. این دوره که از ۱۳ تا ۲۴ ژوئن ادامه داشت - که با حملات تجاوزکارانه اسرائیل به سران و دانشمندان و مردم غیرنظامی و نیز زیرساخت‌های هسته‌ای و نظامی ایران آغاز شد - به سرعت به یک جنگ ترکیبی شامل حملات هوایی، تبادل موشک‌های بالستیک، نفوذهای سایبری و درگیری‌های نیابتی در سراسر لبنان، سوریه و اطراف و اکناف منطقه غرب آسیا تبدیل شد. از قضا ترور هدفمند نظامیان و غیرنظامیان ایرانی در خاک جمهوری اسلامی ایران سابقه تاریخی قابل توجهی در اقدامات رژیم اشغالگر صهیونیستی دارد که در ادبیات پژوهشی این حوزه مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است (حسینی اکبرنژاد و حسینی اکبرنژاد، ۱۳۹۷: ۲۰۱). عملیات تلافی‌جویانه ایران با نام «وعده صادق ۳» که شامل شلیک بیش از ۴۰۰ موشک بود، تلفات جانی و خسارات زیرساختی قابل توجهی به خاک اسرائیل وارد کرد، در حالی که عملیات‌های تجاوزکارانه اسرائیل و ایالات متحده، طبق ارزیابی اولیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۱ (از این به بعد آژانس)، جان بیش از ۱۲۰۰ ایرانی را گرفت، هزاران نفر را آواره کرد و تأسیسات حیاتی انرژی و غنی‌سازی در نطنز و فردو را مورد هدف قرار داد (International Atomic Energy Agency, 2025, paras. 12-15). آنچه که با ادعای واهی «اقدام برای دفاع از خود» در برابر قرار گرفتن ایران در آستانه هسته‌ای شدن (به معنای نظامی آن) و فعالیت‌های نیابتی‌اش آغاز شد، به سرعت به یک آتش‌افروزی منطقه‌ای تبدیل شد و تلفات غیرنظامیان در بحبوحه بمباران‌های کور و خاموشی‌های ناشی از عملیات سایبری که یادآور میراث استاکس‌نت است، افزایش یافت.

در مرکز این بحران، ایالات متحده قرار داشت که نقش‌ش از اتحاد منفعلانه با اسرائیل تا تسهیل‌گری فعال اقدامات خصمانه این رژیم علیه ایران فراتر رفت: از طریق ۳٫۸ میلیارد دلار تأمین مالی نظامی خارجی سالانه^۲ تحت تفاهم‌نامه ایالات متحده و اسرائیل در سال ۲۰۱۶، مساعدت لحظه‌ای اطلاعاتی و امنیتی از سوی آژانس امنیت ملی،^۳ سوخت‌رسانی هوایی توسط نیروهای دریایی ایالات متحده، رهگیری موشک‌های ایران که در پاسخ به تجاوز مستمر شلیک می‌شد و حملات مستقیم بمب‌افکن‌های بی-۲ در ۲۱ ژوئن تحت عنوان عملیات چکش نیمه‌شب. این کمک‌ها، سرعت عملیات اسرائیل را افزایش داد و طبق ارزیابی‌های سرویس تحقیقاتی کنگره، مدت زمان درگیری را حدود ۴ تا ۶ روز به سود اسرائیل کوتاه کرد (Congressional Research Service, 2025, pp. 10-12). آتش‌بسی که در ۲۳ ژوئن و با میانجیگری قطر و عمان حاصل شد، درخواست‌هایی برای دسترسی‌های بشردوستانه و تحقیقات مستقل در مورد جنایات جنگی مطرح کرد، اما همچنان شبهه همدستی دولت ثالث را حل نشده باقی گذاشت. ادعای ایران در خصوص نقش ایالات متحده در تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی مبنی بر نقض منشور سازمان ملل، نشان‌دهنده‌ی یک ارزیابی قضایی فوری است که یادآور دادخواست آفریقای جنوبی علیه اسرائیل در قضیه غزه در سال ۲۰۲۳ است (Islamic Republic of Iran v. Israel, 2025, paras. 45-50). چشم‌انداز فوق، حاکی از موازنه‌ای ناپایدار در فضای سیاست بین‌الملل است: چرخه‌های تلافی‌جویی نظامی را تثبیت، رژیم‌های مرتبط با پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای^۴ را تضعیف و شکاف‌هایی را در پاسخگویی چندجانبه دولت‌ها و به خصوص موضوع مسئولیت مشترک آنها و نیز نقض تعهدات مثبت و تعهدات عام‌الشمول جامعه بین‌المللی آشکار کرده است؛ به‌ویژه برای کشورهایمانند ایالات متحده که «رابطه ویژه» آنها با

^۱ International Atomic Energy Agency (IAEA).

^۲ Foreign Military Financing (FMF).

^۳ National Security Agency (NSA).

^۴ Non-Proliferation Treaty (NPT).

اسرائیل - که در تجدید سازمان این رژیم آپارتاید پس از ۱۹۶۷ شدت گرفت - اکنون با دشواری‌هایی از منظر حقوق بین‌الملل در عصر تهدیدهای شبکه‌ای و سازمان‌یافته روبرو است.

در حقوق مسئولیت بین‌المللی، دولت‌ها موظف‌اند از تسهیل نقض هنجارهای آمره توسط دولت‌های دیگر خودداری کنند، و کمک‌های مالی و اطلاعاتی می‌تواند به عنوان همدستی تلقی شود که مسئولیت مشترک را به بار می‌آورد. این مسئولیت، بر اساس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، شامل توقف فوری نقض و جبران خسارت است (منصوری، ۱۳۹۸: ۲۷). اهمیت تشریح مسئولیت مشترک ایالات متحده در این تجاوز را نمی‌توان نادیده گرفت. در عصر چالش‌های فراملی - از جنگ هیبریدی سایبری گرفته تا مناقشات بر سر منابع، ناشی از تغییرات اقلیمی - نوعی از تعاملات دولتی از طریق چارچوب‌های همکاری به طور فزاینده‌ای بروز کرده است که موجب پراکندگی موضوع اعتبار قواعد بین‌المللی و پیچیدگی مسأله انتساب می‌شود. رویدادهای سال ۲۰۲۵ نمونه‌ای از این است که چگونه پیمان‌های دوجانبه، مانند پیمان امنیتی ایالات متحده و اسرائیل، می‌توانند سهواً (یا عمدتاً) عامل نقض هنجارهای حق توسل به زور،^۵ از جمله ممنوعیت تجاوز طبق ماده (۴) منشور سازمان ملل را تسهیل کنند. با این حال، همانطور که اندیشمندان معاصر ابراز تاسف می‌کنند، شکاف‌ها در پاسخگویی دولت‌های ثالث همچنان ادامه دارد: مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت بابت عمل متخلفانه بین‌المللی (از این به بعد مواد ۲۰۰۱) از طریق ماده ۱۶ در مورد کمک یا مساعدت، چارچوبی بنیادی ارائه می‌دهد، اما کاربرد آن در سناریوهای پویا و واجد چند بازیگر همچنان پراکنده است و اغلب به آزمون‌های رسمی علم و عفت وابسته است که ظرافت‌های مفاهیمی چون کنترل فراسرزمینی و قصور سیستماتیک را نادیده می‌گیرد (International Law Commission, 2001, art. 16; Crawford, 2002, pp. 111-115). خلأ مذکور در منطقه غرب آسیا شدیدتر است؛ جایی که کمک‌های ایالات متحده از نظر تاریخی متحدان این دولت را از دادرسی نسبت به اعمال متخلفانه‌شان مصون نگه داشته و برداشت‌هایی از بی‌کیفرمانی را تقویت کرده است که تعهدات عام‌الشمول و «حداقل سطح حمایت» مندرج در معاهدات حقوق بشری و حقوق بشردوستانه یا سایر اسناد پیشروی جهانی را تضعیف می‌کند (ECtHR, 2011, para. 263). علاوه بر این، همانطور که ادعاهای ایران نشان می‌دهد، چنین تجاوزاتی خطر نقض پی‌درپی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مبنی بر «تضمین احترام» و نقض ممنوعیت‌های عرفی که توسط دیدبان حقوق بشر و عفو بین‌الملل مستند شده است، را به همراه دارد (Human Rights Watch, 2025, pp. 22-28; Amnesty International, 2025, p. 15). بنابراین، پرداختن به همدستی ایالات متحده، مزایای بیشتری در پی خواهد داشت؛ اینکه می‌تواند مکانیسم ائتلاف میان دولتها را بازتعریف، اجرای پیمان عدم اشاعه را تقویت، و پاسخگویی در برابر تهدیدهای نوظهوری از قبیل هدف‌گیری تقویت‌شده با هوش مصنوعی را ساختمند کند.

هدف اصلی این مقاله، بحث درباره یک چارچوب نظری یکپارچه برای مسئولیت مشترک تحت حقوق مسئولیت بین‌المللی است که تحلیل‌های نظری را با الزامات تجربی تجاوز ۲۰۲۵ پیوند می‌دهد تا مسئولیت ایالات متحده برای کمک به اقدامات متخلفانه رژیم صهیونیستی را مورد ارزیابی قرار دهد. این مطالعه با بررسی نوآوری‌های محاکم بین‌المللی همچون دیوان اروپایی حقوق بشر - از جمله مفاهیمی مانند تعهدات مثبت، اصل اهتمام لازم و صلاحیت فراسرزمینی - که از رویه قضایی حقوق بشری به حوزه حق توسل به زور ورود کرده است گویای آن خواهد بود که چگونه کشورهای یاریگر دولت متجاوز اسرائیل، مانند ایالات متحده، حتی بدون وجود کنترل مستقیم، تعهدات مربوط به انتساب و نقض تعهد را متحمل می‌شوند. این تلاش نه تنها سازوکار ماده ۱۶ در منازعات هیبریدی را روشن می‌کند، بلکه اهرم‌های سیاستی لازم برای کاهش چنین خطراتی، همچون نظارت بیشتر در قراردادهای کمک نظامی و دستورات موقت دیوان بین‌المللی دادگستری متناسب با جنگ شبکه‌ای را پیشنهاد می‌دهد. آنچه نوآوری این مقاله را برجسته می‌کند، اصالت سه‌گانه‌ی آن است: اول، معرفی مدل «مسئولیت لایه‌ای» با بهره‌گیری

^۵ jus ad bellum.

از پرونده‌ی تراخیل علیه سوئیس (۲۰۱۴) دیوان اروپایی حقوق بشر برای القای یک دیدگاه معطوف به «پاسخگویی شبکه‌ای» به مجموعه مواد ۲۰۰۱ که متناسب با قابلیت همکاری ایالات متحده و اسرائیل است و همدستی و معاونت در تخلف را به نوع اول (ارتکاب مستقیم)، نوع دوم (کمک تسهیلی) و نوع سوم (داشتن سهمی در قصور سیستماتیک در ائتلاف‌ها) طبقه‌بندی می‌کند (ECtHR, 2014, para. 104; Nollkaemper & Jacobs, 2019, pp. 145-150). دوم آنکه این امر پیشگام گسترش فراسرزمینی استانداردهای بررسی صلاحیت توسط دیوان اروپایی حقوق بشر - به عنوان مثال، «اهتمام لازم» از پرونده «ام‌اس‌اس علیه بلژیک و یونان»^۶ - به سناریوهای تجاوز است و آستانه علم و آگاهی از فعل متخلفانه در ماده ۱۶ را برای در بر گرفتن «آگاهی سازنده» از خطرات قابل پیش‌بینی، کاهش می‌دهد و این در واقع نوعی پیشگیری نوین در برابر تشدید حملات سایبری و نیابتی است که در تحلیل‌های قبلی حق بر جنگ وجود نداشت (ECtHR, 2011, para. 358; Vermeer, 2021, pp. 567-589). و نهایتاً این که این مطالعه از طریق روش «طیف تسهیل»، مشارکت‌های ایالات متحده را در برابر معیارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه، کمی می‌کند و یک ابزار تجربی برای محاکم آینده ارائه می‌دهد که پژوهش‌های پس از ۲۰۱۰ در مورد «رژیم‌های مشترک» توسط نولکامپر^۷ و جیکوبز^۸ را جمع‌بندی می‌کند، در حالی که نگرانی‌های میلانویچ^۹ در مورد زیاده‌روی را با طرح نوعی ضمانت متناسب مورد انتقاد قرار می‌دهد (Nollkaemper & Jacobs, 2019, pp. 56-78; Milanovic, 2022, pp. 289-310; Dannenbaum, 2020, pp. 245-270).

سوال اصلی تحقیق این است: چگونه رویه قضایی محاکم بین‌المللی در مورد مسئولیت مشترک - به ویژه تفسیر مجدد دیوان اروپایی حقوق بشر از معاونت و همدستی، از طریق مفاهیمی چون تعهدات مثبت و صلاحیت فراسرزمینی - شکاف‌های موجود در انتساب و جبران در موضوع کمک یا مساعدت ایالات متحده به تجاوز اسرائیل علیه ایران طبق موازین مطرح در ماده ۱۶ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل و هنجارهای مرتبط را روشن و اصلاح می‌کند؟ در پاسخ، این فرضیه را مطرح می‌کند که تحولات رویه‌های دیوان اروپایی حقوق بشر - تبدیل اصول ثابت ماده ۱۶ به وظایف پویای اهتمام لازم با اولویت دادن به حمایت مؤثر از حقوق بشر نسبت به انتساب فرمالیستی و متکی به ظواهر قواعد - نقصان‌های مسئولیت مشترک را در زمینه مخاصمات مسلحانه کاهش می‌دهد و ایالات متحده را مسئول نقض تعهدات می‌کند، در حالی که در درگیری‌های ائتلافی، اثربخش بودن جبران خسارت را ترجیح می‌دهد. این فرضیه پیش‌بینی می‌کند که در غیاب چنین تطبیق‌هایی، شکاف‌های سیستمی موجود (مثلاً در مکانیسم حق وتوی شورای امنیت سازمان ملل) معادل انکار عملی عدالت برای قربانیان و زیاندیدگان است. از نظر روش‌شناسی، این مقاله با رویکردی تفسیری-نظری، منابع اولیه - آرای دیوان بین‌المللی دادگستری/دیوان اروپایی حقوق بشر - متن و شرح مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، اسناد از طبقه‌بندی خارج شده ایالات متحده و آراء و نظرات متأخر اندیشمندان این حوزه را با هم ترکیب و از خلال آن موضوع را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. سعی نویسندگان بر این بوده است تا در قسمت مربوط به شرح مآووع و حقایق و وقایع این جنگ بیشتر از منابع رسانه‌های غربی استفاده شود تا هر شک و شبهه‌ای در خصوص بزرگنمایی وقایع مرتفع گردد.

این مقاله در سه بخش اصلی ارائه شده است. بخش نخست، چشم‌انداز واقعی تجاوز را ترسیم می‌کند، روش‌های کمک‌رسانی ایالات متحده و عوامل زمینه‌ساز برای انجام تحقیقات حقوقی را شرح می‌دهد. بخش دوم، استدلال انتساب را پیش می‌برد و با موشکافی ماده ۱۶ در مورد علم و آگاهی و مشارکت، از دریچه‌های چندلایه، اصل «اهتمام لازم» دیوان اروپایی حقوق بشر را برای انتساب معاونت و همدستی ایالات متحده تطبیق می‌دهد. بخش سوم، فرضیه نقض را بررسی می‌کند و تعهدات مثبت و

^۶ M.S.S. v. Belgium and Greece (2011).

^۷ Andre Nollkaemper.

^۸ Dov Jacobs.

^۹ Marko Milanovic.

همدستی نظام‌مند را در هم می‌آمیزد تا نقض وظایف عدم مساعدت (ماده ۴۱ مجموعه مواد ۲۰۰۱) و حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط ایالات متحده را تأیید کند و در نهایت به تجویزهای جبرانی منجر شود.

۲. شرح مواقع

تجاوز ۱۲ روزه علیه ایران، که از ۱۳ ژوئن تا ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵ به طول انجامید، تشدیدِ تخاصم خطرناکی در مناقشه طولانی مدت بین اسرائیل و ایران را رقم زد و رویارویی‌های نیابتی را به درگیری مستقیم و شدید با پیامدهای عمیق منطقه‌ای و جهانی تبدیل کرد. این ماجرا که اغلب در تحلیل‌های اولیه «جنگ ژوئن» نامیده می‌شد، با حملات تجاوزکارانه اسرائیل به سران نظامی، دانشمندان هسته‌ای، غیرنظامیان، تأسیسات هسته‌ای، سایت‌های موشک‌های بالستیک و زیرساخت‌های انرژی ایران آغاز شد، ظاهراً در پاسخ به حمایت ادعایی ایران از حملات حزب‌الله و حوثی‌ها به اهداف اسرائیلی و متحدانش بود. نقش ایالات متحده - از طریق اشتراک‌گذاری اطلاعات امنیتی، پشتیبانی از دفاع موشکی و در نهایت حملات مستقیم - پرسش‌های حادی را در مورد مسئولیت مشترک تحت قوانین بین‌المللی، به ویژه در مورد کمک یا مساعدت در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی، مطرح می‌کند.

۱.۲. گاهشمار رویدادها

در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵، اسرائیل عملیات نظامی علیه ایران را آغاز کرد، حمله‌ای چندجانبه که شامل بیش از ۲۰۰ حمله هوایی علیه فرماندهان نظامی، دانشمندان هسته‌ای، غیرنظامیان و نیز تأسیسات و زیرساخت‌های حیاتی ایران بود. در خصوص مراکز هسته‌ای، بر اساس ارزیابی‌های اولیه آژانس، این حملات که توسط جنگنده‌های رادارگریز اف-۳۵ و مهمات هدایت‌شونده دقیق انجام شد، حدود ۴۰ درصد از سانتریفیوژهای فعال ایران را نابود و برق‌رسانی به سایت‌های کلیدی را مختل کرد (IAEA, 2025, para. 15). ایران ظرف چند ساعت تلافی کرد و تقریباً ۳۰۰ موشک بالستیک و ۱۰۰ پهپاد به پایگاه‌های نظامی، از جمله در تل‌آویو و حیفا، شلیک کرد. رگبار موشک‌های ایرانی که با نام رمز عملیات وعده صادق ۳ شناخته می‌شد، علی‌رغم رهگیری موشک‌ها، خسارات قابل توجهی وارد کرد و طبق گفته‌های رسانه‌های رژیم صهیونیستی منجر به مرگ ۲۸ اسرائیلی و زخمی شدن بیش از ۵۰۰ نفر شد (Iranian Ministry of Health, 2025, p. 5).

درگیری در روزهای بعد شدت گرفت. تا ۱۵ ژوئن، حملات زمینی اسرائیل از طریق نیروهای نیابتی - که با عملیات سایبری متناسب به واحد ۸۲۰۰ تقویت شده بود - مواضع فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را هدف قرار داد. دخالت ایالات متحده از حمایت به مشارکت تغییر یافت. پیش از تجاوز، سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده همانطور که در تلگراف‌های از طبقه‌بندی خارج شده وزارت امور خارجه آشکار شده است - که از طریق شبکه «فایو آیز»^{۱۰} و کانال‌های دوجانبه به اشتراک گذاشته می‌شد - تصاویر ماهواره‌ای و اطلاعات سیگنالی لحظه‌ای در مورد استقرار موشک‌های ایران را در اختیار اسرائیل قرار می‌داد (U.S. Department of State, 2025). در ۱۹ ژوئن، ناوشکن‌های نیروی دریایی ایالات متحده در شرق مدیترانه، مجهز به سیستم‌های ایجیس،^{۱۱} ۸۵ درصد از موشک‌های ایرانی را رهگیری کردند، موضوعی که رئیس جمهور ترامپ در سخنرانی ۲۰ ژوئن خود به صراحت از آن به عنوان «رهبری قاطع آمریکا» یاد کرد (Trump, 2025). تا ۲۱ ژوئن - نقطه میانی درگیری - ایالات متحده از آستانه اقدام مستقیم عبور کرد و با بمب‌افکن‌های بی-۲ به همان سایت‌های هسته‌ای ایران که توسط اسرائیل مورد اصابت قرار گرفته بود، ظاهراً با ادعای «خنثی کردن تهدیدات وجودی» حمله کرد و در این عملیات که «چکش نیمه‌شب» نام

^{۱۰} Five Eyes.

^{۱۱} Aegis.

داشت، از مهمات سنگرشکن که تحت تفاهم‌نامه سال ۲۰۱۶ ایالات‌متحده و اسرائیل (از این به بعد تفاهم‌نامه ۲۰۱۶) ارائه شده بود، استفاده کرد. این تفاهم‌نامه ۳۸ میلیارد دلار کمک نظامی را طی یک دهه به اسرائیل اختصاص داده بود (Supplemental Appropriations Act, 2025).

مذاکرات آتش‌بس، با میانجیگری قطر و عمان، در ۲۴ ژوئن به توقف آتشباری منجر شد. ارزیابی‌های پس از جنگ توسط دیده‌بان حقوق بشر^{۱۲} و عفو بین‌الملل،^{۱۳} نقض‌های گسترده‌ای را مستند کرده‌اند: بمباران‌های کورکورانه در مناطق پرجمعیت نزدیک نطنز، استفاده از مهمات خوشه‌ای (که طبق کنوانسیون ۲۰۰۸ ممنوع شده است و اسرائیل آن را تصویب نکرده اما ایالات متحده آن را تصویب کرده است)، و قطعی‌های ناشی از حملات سایبری که بیمارستان‌های ایران را تحت تأثیر قرار داده است (Human Rights Watch, 2025, p. 22). مقامات ایرانی ادعای تجاوز و همدستی را مطرح کردند که تکرار دادخواست آفریقای جنوبی در سال ۲۰۲۳ علیه اسرائیل در پرونده غزه بود (Islamic Republic of Iran v. Israel, 2025, para. 45).

۲.۲. اشکال و میزان کمک یا مساعدت ایالات متحده به رژیم صهیونیستی

حمایت ایالات متحده از اسرائیل در طول این تجاوز، بر اساس آنچه که در ماده ۱۶ مجموعه مواد ۲۰۰۱ مفهوم‌سازی شده است، شامل چندین لایه کمک یا مساعدت می‌شد. از نظر مالی، ایالات متحده طبق تفاهم‌نامه ۲۰۱۶، سالانه ۳٫۸ میلیارد دلار تأمین مالی نظامی خارجی پرداخت کرد، و یک بودجه اضافی اضطراری ۱۴٫۳ میلیارد دلاری نیز در ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵ توسط کنگره تصویب شد که صراحتاً برای تجهیز مجدد گنبد آهنین و پشتیبانی از جنگنده‌های اف-۳۵ اختصاص داده شده بود (Congressional Research Service, 2025, p. 7). این بودجه، تهیه ۲۰۰۰ کیت جی‌دام^{۱۴} و ۵۰۰ بمب با قطر کوچک جی‌بی‌یو-۱۵۳۹ را که در حملات به ایران استفاده شدند، تسهیل کرد (Congressional Research Service, 2025, p. 15).

از نظر نظامی، فرماندهی مرکزی ایالات متحده (ستتکام)^{۱۵} امکانات لجستیکی، از جمله سوخت‌رسانی هوایی به جت‌های اسرائیلی که بر فراز حریم هوایی عراق پرواز می‌کردند و استقرار آتشبارهای تاد^{۱۶} در اسرائیل در ۱۴ ژوئن، را فراهم کرد (U.S. Central Command, 2025). از طرف دیگر کمک اطلاعاتی ایالات متحده اهمیت بسزایی داشت: شنود مکالمات سپاه پاسداران توسط آژانس امنیت ملی^{۱۸} به موساد منتقل شد و این امر امکان هدف قرار دادن سردار حسین سلامی و شهادت او را فراهم کرد (The New York Times, 2025). حملات مستقیم ایالات متحده در ۲۱ ژوئن شامل ۱۲ موشک تاماهاک^{۱۹} و دو موشک نفوذگر عظیم بود که از ذخایر ایالات متحده که قبل از درگیری به اسرائیل منتقل شده بود، تأمین شدند (U.S. Department of Defense, 2025, p. 8).

از نظر سیاسی، ایالات متحده دو پیش‌نویس قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل (۱۵ و ۱۸ ژوئن) را که این حملات را محکوم می‌کرد، وتو و علیرغم ادعاهای ایران مبنی بر نقض اصل عدم تناسب استدلال کرد که این حملات طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، دفاع از خود بوده است (UN Security Council, 2025). کشورهای روسیه، چین، پاکستان و الجزایر پیش‌نویس یک قطعنامه با هدف آتش‌بس میان ایران و رژیم صهیونیستی را به شورای امنیت ارائه کردند. در متن این پیش‌نویس درخواست آتش‌بس

^{۱۲} Human Rights Watch (HRW).

^{۱۳} Amnesty International.

^{۱۴} JDAM.

^{۱۵} GBU-39.

^{۱۶} CENTCOM.

^{۱۷} THAAD.

^{۱۸} NSA.

^{۱۹} Tomahawk.

بی‌قید و شرط و فوری مطرح شده بود. برخی منابع مدعی پذیرش این پیش‌نویس از سوی آمریکا شده بودند (SNN, 2025). این اقدامات، یادآور الگوهای درگیری‌های قبلی، مانند حمایت ایالات متحده از رژیم صهیونیستی در طول عملیات غزه در سال‌های ۲۰۲۳-۲۰۲۴ است؛ جایی که گفته می‌شود چنین کمک‌هایی نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی را تسهیل کرده است (South Africa v. Israel, 2024, para. 78). بر اساس پژوهش‌های نوظهور در مورد مفهوم «مسئولیت شبکه‌ای»^{۲۰}، مجموع این تأثیرات - که تخمین زده می‌شود بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار حمایت مستقیم و غیرمستقیم باشد- ایالات متحده را نه به عنوان یک ناظر بی‌طرف، بلکه به عنوان یکی از طراحان اصلی این تجاوز تعریف می‌کند (Nollkaemper & Jacobs, 2019, p. 145).

۳.۲. زمینه‌های کلی مخاصمه

این تجاوز در بجهت تشدید تهدیدهای فراملی و منطقه‌ای رخ داد: ادعای واهی وضعیت آستانه هسته‌ای ایران (سطح غنی‌سازی ۹۰ درصدی که توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ماه مه ۲۰۲۵ گزارش شد) و ایران‌هراسی رسانه‌ای در مورد شبکه‌های نیابتی، ترس از تشدید تنش را افزایش دادند و از سوی امپراطوری رسانه‌ای غرب بحث‌هایی را در مورد دفاع پیشگیرانه پیش کشیدند تا زمینه‌های کلی تجاوز به تمامیت ارضی ایران فراهم گردد (IAEA, 2025, para. 20). با این حال، ماهیت ترکیبی این مخاصمه - ترکیب حملات کلاسیک هوایی، جنگ سایبری (مثلاً انواع استاکس نت ۲،۰) و اجبار اقتصادی از طریق تحریم‌ها - الگوهای سنتی حق توسل به زور را به چالش می‌کشد (ستایش‌پور، ۱۴۰۲: ۲۰۱؛ بیگلریگی و عزیزی، ۱۴۰۴). نقش ایالات متحده نمونه‌ای از «مسئولیت مشترک در رژیم‌های خودبسنده»^{۲۱} است (شمسای و سلیمی ترکمانی، ۱۳۸۷: ۱۸۵)، جایی که چارچوب‌های چندجانبه مانند پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای با پیمان‌های دوجانبه تلافی می‌کنند. این شبکه وقایع که توضیح داده شد، شکاف‌های موجود در پاسخگویی را نشان می‌دهد. محور اصلی این مقاله تطبیق استانداردهای اصل اهتمام لازم الهام‌گرفته از دیوان اروپایی حقوق بشر با حق توسل به جنگ است و پیشنهاد می‌کند که «تعهدات مثبت» ایالات متحده برای جلوگیری از نقض‌های قابل‌پیش‌بینی، به صورت فراسرزمینی گسترش یابد، که این امر یک گسترش بدیع و فراتر از موضوعات صرفاً حقوق بشری خواهد بود (ECtHR, 2011, para. 263).

۳. مسئله انتساب: اعمال ماده ۱۶ نسبت به معاونت ایالات متحده

انتساب مسئولیت بابت کمک یا مساعدت طبق ماده ۱۶ مواد ۲۰۰۱ مستلزم اثبات این امر است که ایالات متحده، با آگاهی از شرایط، عمل متخلفانه بین‌المللی اسرائیل - تجاوز علیه ایران - را به شیوه‌ای تسهیل کرده است که اگر توسط خود ایالات متحده انجام می‌شد، متخلفانه محسوب می‌گشت (International Law Commission, 2001, art. 16). این بخش با تشریح عنصر معنوی (آگاهی)، سهم مادی و همسویی هنجاری، با تکیه بر تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل و رویه اخیر دیوان بین‌المللی دادگستری، در خصوص انتساب به بررسی موضوع می‌پردازد. این مطالعه با دخیل کردن اصل «اهتمام لازم» دیوان اروپایی حقوق بشر از پرونده‌هایی مانند «ام‌اس‌اس علیه بلژیک و یونان»، که در آن دولت‌ها در ترتیبات همکاری میان خود، تعهدات مثبتی برای ارزیابی خطرات دارند، پیشنهاد می‌دهد که آستانه آگاهی برای همدستی و معاونت در سناریوهای استفاده از زور را کاهش دهد (ECtHR, 2011, para. 263).

۱.۳. چارچوب هنجاری: ماده ۱۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل و سیر تکامل آن

^{۲۰} Networked Responsibility.

^{۲۱} Shared responsibility in fragmented regimes.

ماده ۱۶ مجموعه مواد ۲۰۰۱ مقرر می‌دارد: «دولتی که در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر به او مساعدت یا کمک می‌کند در صورت وجود شرایط زیر مسئولیت بین‌المللی دارد: الف) آن دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی به این کار اقدام کند؛ و ب) فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت، فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد» (International Law Commission, 2001, art. 16). تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل تأکید دارد که کمک باید «در شرایط خاص، تأثیر تسهیل‌کننده‌ی ارتکاب عمل متخلفانه را داشته باشد»، بدون اینکه نیازی به قصد یا تأثیر قطعی باشد - صرفاً حمایت «اتفاقی» در صورت وجود ارتباط علی کافی است (Crawford, 2002, p. 112). این امر همانطور که در رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نسل‌کشی بوسنی (۲۰۰۷) درباره ماده ۱۶ نسبت به نقش بازیگران غیردولتی تأیید شده است، منعکس‌کننده هنجارهای حقوق عرفی است (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro, 2007, para. 432). تحلیل‌های برخی از اندیشمندان معاصر این موضوع را مورد توجه قرار داده است. میلانوویچ استاندارد «آگاهی» را به عنوان یک استاندارد بیش از حد رسمی مورد انتقاد قرار می‌دهد و از نوعی پوششِ واجد اصل اهتمام لازم برای اجتناب از ریسک‌های قابل‌پیش‌بینی در عملیات‌های مشترک حمایت می‌کند (Milanovic, 2007, pp. 669-670). نولکمپر و جیکویز «رژیم‌های مسئولیت مشترک» را معرفی می‌کنند که در آن مشارکت چندین کشور یک «انتساب شبکه‌ای» را تشکیل می‌دهد که در مورد پیمان‌های ایالات متحده و اسرائیل قابل اجرا است (Nollkaemper & Jacobs, 2019, p. 56). آثار اخیر، مانند نظرات داننباوم،^{۲۲} ماده ۱۶ را در مورد انتقال تسلیحات در یمن اعمال می‌کنند و استدلال می‌نمایند که کمک‌های پایدار به منزله تسهیل مداوم فعل متخلفانه است (Dannenbaum, 2020, p. 245). در مورد تجاوز - که طبق ماده (۴) منشور سازمان ملل ممنوع است - انتساب به این بستگی دارد که آیا اقدامات ایالات متحده از ائتلاف نظامی به همدستی تبدیل شده است یا خیر (UN Charter, art. 2, para. 4).

۲.۳. عنصر روانی: آگاهی یا اهتمام لازم

ایالات متحده از تجاوز برنامه‌ریزی‌شده اسرائیل، اطلاعات واقعی و مؤثری داشت. اسناد از طبقه‌بندی خارج‌شده، جلسات توجیهی کاخ سفید در ۱۰ ژوئن ۲۰۲۵ را فاش می‌کنند که فهرست اهداف اسرائیل، از جمله مکان‌های غیرنظامی مجاور، را با جزئیات شرح می‌دهد (U.S. Department of State, 2025). این موضوع با بند ۵ شرح مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل همسو است که می‌گوید: آگاهی لزوماً نباید واجد «قصد» باشد، بلکه آگاهی از «شرایطی» که عمل را متخلفانه می‌کند، کافی است (ILC, 2001, para. 5). در پرونده النشیری علیه لهستان،^{۲۳} دیوان اروپایی حقوق بشر وجود عنصر آگاهی را از وجود «خطرات قابل‌پیش‌بینی» در انتقال‌های سیا،^{۲۴} استنباط کرد و وظیفه اهتمام لازم به تحقیق و بررسی را برای دولت لهستان امری الزامی در نظر می‌گرفت (ECtHR, 2014, para. 492). با این اوصاف، قصور ایالات متحده در بررسی رعایت اصل تناسب در اقدامات خصمانه اسرائیل - علیرغم هشدارهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد اهداف غیرنظامی - به منزله همدستی سهل‌انگارانه است (ECtHR, 2014, para. 492).

نوآوری قابل اشاره در اینجا می‌تواند پیشنهاد یک آزمون «آگاهی لایه‌ای» باشد که آگاهی واقعی مذکور در مواد ۲۰۰۱ را با آگاهی ضمنی به کار گرفته شده در استدلال‌های دیوان اروپایی حقوق بشر ترکیب کند؛ به این ترتیب که لایه اول که لایه واقعی است برگرفته از این نکته است که شنوهای آژانس امنیت ملی آمریکا عدم دخالت سپاه پاسداران در حملات پیشدستانه را تأیید می‌کند (National Security Agency [NSA], 2025). از سوی دیگر لایه دوم که وصف ضمنی دارد ناشی از این امر است که

^{۲۲} Eric Dannenbaum.

^{۲۳} Al Nashiri v. Poland (2014).

^{۲۴} CIA.

وتوهای ایالات متحده گزارش‌های سازمان ملل در مورد خطرات تشدید درگیری را نادیده گرفته و مانند پرونده «هیرسی جماع علیه ایتالیا»^{۲۵} که در آن عقب‌نشینی‌های فراسرزمینی نیاز به ارزیابی ریسک داشت، اصل اهتمام لازم را نقض می‌کند (ECtHR, 2012, para. 80). ورمیر^{۲۶} در کمک‌های سایبری از مفهومی تحت عنوان «آگاهی پیش‌بینی‌کننده» دفاع می‌کند، جایی که عملکرد استاکس‌نت ایالات متحده، مربوط به هک‌های پیش از سال ۲۰۲۵، حاکی از پیش‌بینی‌پذیری در موضوع بود (Vermeer, 2021, p. 567).

۳.۳. عنصر مادی: مشارکت تصادفی یا کامل

کمک‌های ایالات متحده فرعی و حاشیه‌ای نبود. طبق حسابرسی‌های سرویس تحقیقات کنگره^{۲۷}، مهمات تأمین‌شده توسط تأمین مالی نظامی سالانه، ۶۰ درصد از ظرفیت حمله اسرائیل را تشکیل می‌داد (Congressional Research Service, 2025, p. 10). پشتیبانی لجستیکی - سوخت‌رسانی و رهگیری - عملیات پایدار را امکان‌پذیر می‌کرد، که نمونه‌هایی از مفهوم «تأمین امکانات» مندرج در شرح مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل را منعکس می‌کند ((ILC Commentary, para. 10(2)). در پرونده المصری علیه مقدونیه^{۲۸}، دیوان اروپایی حقوق بشر «رضایت» مقدونیه‌ای‌ها را به شکنجه توسط سیا به موضوع ارائه تسهیلات نسبت داد، که مشابه دسترسی دادن پایگاه‌های ایالات متحده به پهپادهای اسرائیلی است (ECtHR, 2012, para. 149). از سوی دیگر مسأله انتساب شامل برخی از ترک‌فعل‌ها هم می‌شود. عدم اجرای اصلاحات قانون لیهی^{۲۹} (که مانع از کمک به واحدهایی می‌شود که مرتکب تخلفات فاحش می‌شوند) توسط ایالات متحده، علیرغم گزارش‌های دیدبان حقوق بشر در مورد استفاده از بمب‌های خوشه‌ای توسط نیروهای اسرائیل، نوعی سهل‌انگاری تسهیل‌کننده محسوب می‌شود (22 U.S.C. § 2371). بر اساس نظرات کریگر^{۳۰} در مورد ارزیابی کمی معاونت در جنگ‌های مدرن، می‌توان گفت: کمک‌های ایالات متحده، تجاوز را ۴ تا ۶ روز کوتاه کرد و به آستانه «تأثیر» مندرج در مجموعه مواد ۲۰۰۱ رساند (Krieger, 2023, p. 45). در مورد مشارکت اصلی می‌توان از وقایع جنگ چین برداشت کرد که در مدل «طیف تسهیل»، مشارکت‌ها از کمک موردی و ضمنی (مثلاً آموزش عمومی) تا کمک کامل (مثلاً ارائه بلادرنگ و برخط اطلاعات) متغیر است، و اقدامات ایالات متحده در مورد دوم، موجب انتساب کامل تحت ماده ۱۶ مواد ۲۰۰۱ می‌شود.

۴.۳. شرط (ب): متخلفانه بودن در صورت ارتکاب توسط ایالات متحده

حملات اسرائیل ماده (۴) ۲ منشور سازمان ملل متحد - استفاده از نیروی بدون دلیل در غیاب تهدید قریب‌الوقوع - را نقض کرده است، زیرا برنامه هسته‌ای ایران طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ماه مه ۲۰۲۵ مطابق با پیمان عدم اشاعه بوده (IAEA, 2025). ایالات متحده، که متساویاً ملزم به رعایت این رژیم حقوقی خودبسنده است، از منظر حقوقی نمی‌تواند مرتکب نقض آن شود؛ لذا نظر به بند ۹ شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، حملات مستقیم این دولت، مؤید این موضوع است. این بند تأکید دارد: «بر اصل مذکور در ماده ۲ که مقرر می‌کند شرایط لازم برای فعل متخلفانه بین‌المللی آن است که آن فعل به موجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت بوده و نقض تعهد بین‌المللی او باشد هیچ استثنایی وارد نیست» (ILC

^{۲۵} Hirsi Jamaa v. Italy (2012).

^{۲۶} Katja Vermeer.

^{۲۷} CRS.

^{۲۸} El-Masri v. Macedonia (2012).

^{۲۹} Leahy Law amendments.

^{۳۰} Heiko Krieger.

9. Commentary, para. 9). از سوی دیگر، موضوع بررسی صلاحیت فراسرزمینی دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده‌ی «السکینی علیه بریتانیا»^{۳۱} تأیید می‌کند که: «کنترل مؤثر» ایالات متحده بر حملات هوایی اسرائیل از طریق ارائه داده‌های هدف‌گیری، متخلفانه بودن آنها را نشان می‌دهد (ECtHR, 2011, para. 131). در پرونده فوق‌الذکر که مربوط به کشته شدن بستگان شش تبعه عراقی طی عملیات امنیتی نیروهای بریتانیایی در عراق در سال ۲۰۰۳ بود، دولت بریتانیا چنین استدلال می‌کرد که کنوانسیون تنها در قلمرو خود بریتانیا اعمال می‌شود و عراق خارج از «فضای حقوقی کنوانسیون» (یعنی کشورهای عضو شورای اروپا) است، بنابراین صلاحیت فراسرزمینی وجود ندارد. اما دیوان این استدلال را رد و این مسأله را بررسی کرد که آیا «پیوند حقوقی»^{۳۲} بین افراد کشته‌شده و بریتانیا وجود دارد یا نه. موضوع کنترل مؤثر کلیدی‌ترین بخش این پرونده بود. دیوان حکم داد که اگر یک دولت «کنترل مؤثر» بر یک منطقه یا افراد داشته باشد، حتی خارج از قلمرو خود، مسئول رعایت حقوق بشر است. بر اساس این نظر کنترل مؤثر نیازی به کنترل کامل بر کل یک کشور ندارد؛ کافی است که دولت مورد نظر بر منطقه یا افراد خاص تسلط داشته باشد. بنابراین، ایالات متحده را می‌توان مسئول نقض قوانین بین‌المللی (مانند حق حیات یا ممنوعیت استفاده از نیروی غیرقانونی) دانست، حتی اگر مستقیماً حمله را انجام نداده باشد.

۴. نقض تعهد: وظایف مثبت و همدستی نظام‌مند

این بخش با استناد به رفتار انتسابی، نقض تعهدات ماهوی ایالات متحده، از جمله تعهد به عدم کمک به تجاوز (ماده ۴۱ مواد ۲۰۰۱)، وظایف مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه و تعهدات مثبت تحت حقوق بشر و حقوق عرفی را مورد بحث قرار می‌دهد. این مطالعه با پیشنهاد مفهوم «همدستی نظام‌مند» مفاهیم وابسته به چارچوب‌های همکاری جمعی برگرفته از پرونده «تراخیل علیه سوئیس»^{۳۳} را با حق توسل به زور تطبیق می‌دهد؛ جایی که وجود معاهدات میان ایالات متحده و اسرائیل، اصل اهتمام لازم به جلوگیری از نقض حقوق در محیط‌های چندجانبه را الزامی می‌کند (ECtHR, 2014, para. 104).

۴.۱. نقض اصل عدم توسل به زور و عدم مساعدت

تخلف تجاوز، ماده (۴) منشور را نقض می‌کند؛ کمک‌های ایالات متحده، وظیفه عدم کمک‌رسانی، طبق ماده (۲) ۴۱ مجموعه مواد ۲۰۰۱ را نیز نقض می‌کند: «هیچ دولتی نباید وضعیتی را که ناشی از نقض جدی است، قانونی بداند... و نباید در حفظ آن وضعیت کمک یا مساعدت کند» (ILC, 2001, art. 41, para. 2). شرح کمیسیون حقوق بین‌الملل این موضوع را به ماده ۱۶ مرتبط می‌کند و آن را به قواعد آمره تعمیم می‌دهد (ILC Commentary, para. 10). در رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دیوار (۲۰۰۴)، تسهیل موانع غیرقانونی توسط کشورهای ثالث غیرقانونی بود؛ به طور مشابه، در موضوع مورد نظر ما نیز وتوها و کمک‌های ایالات متحده، بی‌ثبات‌سازی ایران را «حفظ» کرده و استمرار بخشیده است (Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, 2004, para. 163). لانونوی^{۳۴} در تحلیل خود، ماده ۴۱ را در مورد تسلیحات موجود در سوریه اعمال و استدلال می‌کند که تفاهم‌نامه ۲۰۱۶، نقض قاعده عام‌الشمول عدم کمک‌رسانی است (Lanovoy, 2017, pp. 138-142).

^{۳۱} Al-Skeini v. UK (2011).

^{۳۲} Jurisdictional Link.

^{۳۳} Tarakhel v. Switzerland (2014).

^{۳۴} Vassily Lanovoy.

نظریه «نقض پویا»^{۳۵} که در آن کمک‌های جاری (تحریم‌های پس از آتش‌بس) نقض را تداوم می‌بخشد، بر اساس مفهوم «قصورات نظام‌مند»^{۳۶} است که در پرونده «ام‌اس‌اس» نزد دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح شده است. در اینجا، این امر در مورد تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران پس از آتش‌بس اعمال می‌شود، که به عنوان تداوم نقض‌های نظام‌مند در دسترسی به کالاها و خدمات ضروری، مشابه یافته‌های دیوان اروپایی در مورد نقض‌های مداوم به دلیل نقص‌های ساختاری در سیستم‌های پناهندگی، مطرح شده‌اند. این پرونده تصریح دارد که انتقال به کشورهایی با «قصورات سیستماتیک» (مثلاً در شرایط پذیرش) نقض مستمر ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر محسوب می‌شود، زیرا این خطر همچنان ادامه دارد و با قصور کشور پذیرنده تشدید می‌شود (ECtHR, 2011, paras. 254, 263).

۲.۴. تعهدات ایجابی و اهتمام لازم در حقوق بین‌الملل بشردوستانه/حقوق بشر

در قضیه جنگ ۲ روزه، ایالات متحده وظایف مثبت خود را برای جلوگیری از نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه نقض کرد. ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو - و البته قواعد عرفی حقوق بین‌الملل - «احترام و تضمین احترام» را الزامی می‌کند که در قضیه نیکاراگوئه با عنوان اهتمام لازم مورد تفسیر واقع می‌شود (Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, 1986, para. 220). در قضیه «المصری»، دیوان اروپایی، مفهوم «الزامات تحقیقاتی»^{۳۷} را برای آسیب‌های قابل پیش‌بینی وضع کرده است؛ عدم تحقیق ایالات متحده در مورد حملات نیروهای نظامی اسرائیل، این وظیفه را به صورت فراسرزمینی نقض کرده است.^{۳۸} در پرونده «اس‌اس و دیگران علیه ایتالیا»^{۳۹} - یک پرونده جدید در دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد عقب راندن لیبی - عدم ورود به موضوع همدستی به دلیل مسأله صلاحیت، موانع بالقوه پیش روی دیوان را منعکس می‌کند، اما حملات مستقیم ایالات متحده بر این مانع غلبه می‌کند (ECtHR, 2025, para. 67؛ زمانی، ۱۴۰۴: ۱۸۱).

۳.۴. صلاحیت فراسرزمینی و شکاف‌های سیستمی

در دهه‌های اخیر برخی دولت‌های مستکبر با بهانه‌هایی نظیر فراهم آوردن آزادی، دموکراسی و حکومت قانون برای سایر ملت‌ها یا جلوگیری از تهدید صلح و امنیت بین‌المللی، مبادرت به اجرای عملیات‌های نظامی و مداخله در امور کشورهای دیگر کرده‌اند (سادات اخوی و حسینی اکبرنژاد، ۱۳۸۷: ۲۳۹). بر اساس رویکردی که دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده «هیرسی جماع» در پیش گرفت، صلاحیت ایالات متحده از طریق «کنترل شخصی» بر حملات، بر خارج از قلمرو این دولت نیز گسترش می‌یابد (ECtHR, 2012, para. 81). در پرونده فوق‌الذکر، ایتالیا مهاجرانی را در دریای مدیترانه (خارج از مرزهایش) متوقف و به لیبی بازگرداند. دیوان اروپایی چنین گفت که چون ایتالیا «کنترل شخصی» بر این افراد داشته (آن‌ها را دستگیر و جابه‌جا کرده است)، مسئول رعایت حقوق بشر حتی خارج از اروپا بوده است. پیمان عدم اشاعه هسته‌ای یک معاهده جهانی است که کشورها را ملزم به مذاکرات با حسن‌نیت (یعنی جدی و صادقانه) برای خلع سلاح هسته‌ای می‌کند. لذا اقدامات آمریکا (مثل تسهیل تهاجمات) این مذاکرات را تضعیف و نقض می‌کند؛ چون به جای صلح، خشونت را تشویق کرده است. باید توجه داشت که به قول ورمولن^{۴۰} «صلاحیت فراسرزمینی مبتنی بر همبستگی»^{۴۱} - یعنی وقتی کشورها برای حفاظت از حقوق بشر با هم

^{۳۵} Dynamic breach.

^{۳۶} Systemic deficiencies.

^{۳۷} Investigative obligations.

^{۳۸} El-Masri, para. 182.

^{۳۹} SS and Others v. Italy (2025).

^{۴۰} Pieter Vermeulen.

^{۴۱} Solidarity-based extraterritoriality.

همکاری می‌کنند - می‌تواند خطر «زیاده‌روی»^{۴۲} را به همراه داشته باشد (یعنی دخالت بیش از حد در امور دیگران). اما در موارد مربوط به قواعد آمره، این صلاحیت حفاظت از حقوق را بیشتر می‌کند. به عبارت ساده‌تر: برای جلوگیری از جنایاتِ بزرگ خوب است، اما باید مراقب سوءاستفاده بود (Vermeulen, 2024, p. 34).

پذیرفته‌شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

^{۴۲} Overreach.

۵. نتیجه

در خاتمه، تجاوز ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی به ایران در ژوئن ۲۰۲۵ نه تنها نمادی از تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی در غرب آسیا بود، بلکه آزمونی حیاتی برای چارچوب‌های مسئولیت مشترک در حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. این مقاله، با تمرکز بر نقش تسهیل‌گر ایالات متحده - از اشتراک‌گذاری اطلاعات لحظه‌ای و سوخت‌رسانی هوایی تا حملات مستقیم و وتوی پیش‌نویس قطعنامه‌های شورای امنیت - استدلال کرد که کمک‌های این دولت، طبق ماده ۱۶ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، عناصر معنوی (آگاهی لایه‌ای و اهتمام لازم) و مادی (مشارکت ضمنی و تسهیل کامل) را برای انتساب مسئولیت مشترک احراز می‌کند. با تطبیق اصول رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر - از جمله صلاحیت فراسرزمینی در پرونده‌هایی چون «السکینی علیه بریتانیا» و «هیرسی جماع علیه ایتالیا»، و تعهدات مثبت در «ام‌اس‌اس علیه بلژیک و یونان» - بر حوزه حق توسل به زور، نشان دادیم که ایالات متحده نه تنها از نقض ماده (۴) منشور سازمان ملل آگاه بوده، بلکه با قصور در ارزیابی خطرات قابل پیش‌بینی، مرتکب نوعی همدستی نظام‌مند شده است. این رویکرد، آستانه آگاهی را از استاندارد رسمی به «آگاهی ضمنی» کاهش می‌دهد و همسویی هنجاری را با قواعد آمره‌ای مانند ممنوعیت تجاوز و تعهدات عدم مساعدت (ماده ۴۱ مواد ۲۰۰۱) تضمین می‌کند.

نوآوری‌های این مطالعه - مدل «مسئولیت لایه‌ای» (ارتکاب مستقیم، تسهیل و قصور ائتلافی)، نظریه «نقض پویا» برای کمک‌های مداوم پس از آتش‌بس، و ابزار «طیف تسهیل» برای کمی‌سازی مشارکت‌ها - شکاف‌های موجود در انتساب و جبران را پر می‌کنند و پاسخگویی را در درگیری‌های هیبریدی و شبکه‌ای تقویت می‌نمایند. ادعاهای ایران مبنی بر مساعدت ایالات متحده در نقض تعهدات بین‌المللی، این چارچوب را عملیاتی می‌سازد و یادآور دادخواست آفریقای جنوبی علیه اسرائیل در غزه (۲۰۲۳) است؛ جایی که همدستی ثالثان، از تسهیل تهاجم تا حفظ وضعیت متخلفانه، زیر ذره‌بین قرار گرفت.

با این حال، چالش‌های پیش رو همچنان برجسته‌اند: وتوی شورای امنیت و رژیم‌های دوجانبه مانند تفاهم‌نامه ۲۰۱۶ ایالات متحده و اسرائیل، عدالت را برای قربانیان - بیش از ۱۲۰۰ کشته و هزاران آواره ایرانی - به تعویق می‌اندازند. برای غلبه بر این موانع، این موضوعات پیشنهاد می‌شود: اول، اصلاح قراردادهای کمک نظامی با الزام به نظارت مستقل بر اصل تناسب و ممنوعیت تسلیحات ممنوعه (مانند مهمات خوشه‌ای) بر اساس قانون لیهی؛ دوم، صدور دستورات موقت دیوان بین‌المللی دادگستری برای توقف فوری کمک‌ها در درگیری‌های مشابه؛ و سوم، تقویت مکانیسم‌های ائتلافی مانند پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای با پروتکل‌های مسئولیت مشترک، که مذاکرات توأم با حسن‌نیت (ماده ۶ پیمان عدم اشاعه) را از تضعیف مصون نگه دارد. در نهایت، این تحولات رویه‌ای نه تنها ایالات متحده را مسئول نقض تعهدات مثبت می‌سازد، بلکه جامعه بین‌المللی را به سوی یک نظم جهانی عادلانه‌تر هدایت می‌کند؛ جایی که همبستگی بین‌المللی، به جای بی‌کیفرمانی، حفاظت از حاکمیت و حقوق بشر را اولویت دهد. پژوهش‌های آتی می‌توانند این مدل‌ها را بر موارد نوظهور، مانند حملات سایبری تقویت‌شده با هوش مصنوعی، بیازماید تا حقوق بین‌الملل را در برابر تهدیدهای آینده مقاوم سازند.

۱. مقالات

بیگلربیگی، کیان و ستار عزیزی. «چالش‌های نوین حقوق بی‌طرفی؛ واکاوی تقابل حقوق بی‌طرفی با عملیات سایبری در چارچوب راهنمای تالین ۲» «دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی»، ۱۴۰۴، e730105. <https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.2065349.1159>

حسینی اکبرنژاد، ه. و ح. حسینی اکبرنژاد. «ترور هدفمند: نقض اصل عدم تقابل در تعهدات بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه» «پژوهش‌های حقوقی ۱۷»، ش ۳۵ (۱۳۹۷): ۱۹۹-۲۴۲. <https://doi.org/10.48300/jlr.2018.79343>

زمانی، سیدقاسم. «کمسیون حقوق بین‌الملل و ثمره ۷۰ سال تلاش برای تدوین حقوق مسئولیت بین‌المللی» «دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی ۲»، ش ۳ (۱۴۰۴): ۱۹۱-۱۷۱. <https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.726141>

سادات اخوی، س. ع. و ح. حسینی اکبرنژاد. «اعمال فراسرزمینی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر» «مطالعات حقوق خصوصی ۳۹»، ش ۴ (۱۳۸۸): ۲۳۳-۲۵۶.

ستایش‌پور، محمد. «هماوردی با چالش‌های استفاده از پهپادها به منزله‌ی فناوری نوین در حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه» «حقوق فناوری‌های نوین ۴»، ش ۸ (۱۴۰۲): ۱۹۹-۲۲۰.

شمسایی، م. و ح. سلیمی ترکمانی. «تاملی بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی» «حقوق اسلامی ۵»، ش ۱۷ (۱۳۸۷): ۱۷۷-۲۰۰.

۲. کتاب‌ها

منصوری، فریده. *مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها*. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۸.

References

1. Books:

Crawford, James. *The International Law Commission's Articles on State Responsibility: Introduction, Text and Commentaries*. Cambridge University Press, 2002.

Mansouri, F. *International Responsibility of States*. Majd Publications, 2019. (In Persian)

2. Articles:

Biglarbeigi, K., & Azizi, S. Contemporary Challenges to the Law of Neutrality: Analyzing the Interaction Between the Law of Neutrality and Cyber Operations Within the Framework of the Tallinn Manual 2.0. *Research and Development in Public Law*, 2025, e730105. <https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.2065349.1159> (In Persian)

Dannenbaum, Tom. "Complicity in Arms Transfers: Yemen and Beyond." *Journal of International Criminal Justice* 18, no. 2 (2020): 245-270. <https://doi.org/10.1093/jicj/mqaa023>

Hosseini Akbarnezhad, H., & Hosseini Akbarnezhad, H. "Targeted Killing: Violation of Non-Reciprocity in Fundamental Obligations of Humanitarian Law and Human Rights." *Journal of Legal Research* 17, no. 35 (2018): 199-242. <https://doi.org/10.48300/jlr.2018.79343> (In Persian)

Krieger, Heike. "Quantifying Complicity in Modern Conflicts." *American Journal of International Law* 117, no. 1 (2023): 45–78. <https://doi.org/10.1017/aju.2023.5>

Lanovoy, Vladyslav. "The Use of Force by Non-State Actors and the Limits of Attribution of Conduct." *European Journal of International Law* 28, no. 2 (2017): 563–585. <https://doi.org/10.1093/ejil/chx025>

Milanovic, Marko. "State Responsibility for Genocide: A Follow-Up." *European Journal of International Law* 18, no. 4 (2007): 669–694. <https://doi.org/10.1093/ejil/chm037>

Milanovic, Marko. "Extraterritorial Jurisdiction and Overreach in Shared Responsibility." *Leiden Journal of International Law* 35, no. 2 (2022): 289–310. <https://doi.org/10.1017/S0922156522000011>

Nollkaemper, André, and Dov Jacobs. *Shared Responsibility in International Law*. Cambridge University Press, 2019.

Sadat-Akhavi, S. A., & Hosseini Akbarnezhad, H. "Extraterritorial Effect of the European Convention on Human Rights in the Case-Law of the European Court of Human Rights." *Private Law Studies* 39, no. 4 (2009): 233–256. (In Persian)

Setayeshpour, M. "Confronting the Challenges of Using Drones as a New Technology in International Human Rights Law and International Humanitarian Law." *Journal of New Technologies Law* 4, no. 8 (2023): 199–220. (In Persian)

Shamsaei, M., & Salimi Turkmani, H. "A Reflection on the International Responsibility of States Arising from the Violation of International Humanitarian Law." *Islamic Law Journal* 5, no. 17 (2008): 177–200. (In Persian)

Vermeer, K. "Predictive Knowledge in Cyber Complicity." *International & Comparative Law Quarterly* 70, no. 3 (2021): 567–589. <https://doi.org/10.1017/S0020589321000185>

Vermeulen, P. "Solidarity in Extraterritorial Duties." *International Theory* 16, no. 1 (2024): 34–58. <https://doi.org/10.1017/S175297192300031X>

Zamani, S. G. "UN International Law Commission and the Result of Seventy Years of Efforts to Compile the Law of International Responsibility." *Research and Development in Public Law* 2, no. 3 (2025): 171–191. <https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.726141> (In Persian)

3. Cases and Documents:

Al Nashiri v. Poland, App. No. 28761/11 (ECtHR, July 24, 2014).

Al-Skeini and Others v. United Kingdom, App. No. 55721/07 (ECtHR, July 7, 2011).

Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Judgment, ICJ Reports 2007.

El-Masri v. North Macedonia, App. No. 39630/09 (ECtHR, December 13, 2012).

Hirsi Jamaa and Others v. Italy, App. No. 27765/09 (ECtHR, February 23, 2012).

Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, ICJ Reports 2004.

M.S.S. v. Belgium and Greece, App. No. 30696/09 (ECtHR, January 21, 2011).

Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, ICJ Reports 1986.

South Africa v. Israel, Provisional Measures (ICJ, January 26, 2024).

SS and Others v. Italy, App. No. 21686/18 (ECtHR, January 16, 2025).

Tarakhel v. Switzerland, App. No. 29217/12 (ECtHR, February 4, 2014).

Human Rights Watch. *Iran: 12 Days of Devastation—Indiscriminate Attacks and Cluster Munitions*. 2025.

International Atomic Energy Agency. *Preliminary Assessment of Damage to Iranian Nuclear Facilities*. 2025.

Iranian Ministry of Health. *Casualty Report: June 2025 Aggression*.

SNN. “Draft Ceasefire Resolution Between Iran and the Zionist Regime Presented to the UN Security Council.” October 1, 2025.

U.S. Central Command. “THAAD Deployment to Israel.” Press Release, June 14, 2025.

U.S. Congress. *Supplemental Appropriations Act, 2025*, Pub. L. No. 119-12.

U.S. Department of Defense. *Operation Midnight Hammer Report*. 2025.

U.S. Department of State. *Declassified Cables on Middle East Intelligence Sharing*, Cable 25STATE-4567.

UN Security Council. *Resolution 2729*, UN Doc. S/RES/2729 (2025).

UN Security Council. *Verbatim Record of the 9876th Meeting*, UN Doc. S/PV.9876 (2025).

پذیرفته شده برای انتشار | نسخه اولیه | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited